

معافیت از کیفر در قانون مجازات ایران و فرانسه

علی کاکو جویباری

دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت ا... آملی

چکیده

یکی از شروط اصلی صدور معافیت از کیفر احراز مجرمیت و اصلاح مرتکب میباید که این تاسیس رسالت مجازات را به نتیجه میرساند همچنین در اختیار قاضی صادر کننده حکم می باشد یعنی یا میتواند حکم به مجازات دهد یا حکم به معافیت که انتقاداتی نسبت به آن وارد است. در قانون ایران و فرانسه این تاسیس نوین حقوقی یک راهکار برای فردی کردن مجازات ها و تعدیل اجرای مجازات ها می باشد و همچنین راهکاری برای بهتر قضایی شدن جرایم و مجازات ها و جلوگیری از افزایش آمار پرونده های کیفری میباشد. این پژوهش بصورت توصیفی، تحلیلی بوده و روش تحقیق بصورت کتابخانه ای میباشد.

واژه‌های کلیدی: کیفر، معافیت، احراز مجرمیت، اصلاح شدن مرتکب.

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحولات زیادی در عرصه های مختلف از جمله عرصه قوانین جزایی بوجود آمده است. اضافه شدن تاسیسات حقوق اسلام، حذف بسیاری از تاسیسات حقوقی سابق، تغییرات اساسی در جرایم، مجازات ها آیین دادرسی و ... بطور کلی حقوق جزای جدیدی را در ایران بوجود آورده که با گذشته کاملا متفاوت است. در حقوق خارجی نیز، بویژه در حقوق فرانسه که قوانین آن مورد مطالعه و توجه حقوق دانان حق قانونگذاران در نظام حقوق نوشته قرار گرفته است، تغییرات جدی بوجود آمده است.

بخشی از این تغییرات ناشی از طبیعت و ماهیت حقوق کیفری است که ضوابط آن حالت پذیر و دگرگون است؛ و تحت تاثیر رشد جوامع بشری و مسایل اعتقادی قرار دارد.

توجه جوامع بشری به تاسیسات نوین حقوق جزا مانند: جرم زدایی، کیفرزدایی، تعلیق مراقبتی، تبدیل کیفری و... در دو دهه اخیر به شدت افزایش یافته است.

پیشینیان هیچگاه در اجرای مجازات از اصلاح و تربیت بزهکاران غافل نبودند. منتهای مراتب در اجرای مجازات امیدوار بودند رنج و مشقتی که به بزهکار تحمیل می کنند در رفتار او تغییر پدید آورد و او را متنبه کند. وی امروزه دانش ما از رفتار و خلق و خوی انسان ها فزون یافته است. تغییر رفتار و یا به عبارت دیگر عادات زشت و ناپسندانسان موضوع پژوهش های روان شناختی است. بر این اساس، رفتار مجرمانه نوعی ناسازگاری اجتماعی است و بزهکار کسی است که بنا به دلایلی قادر نیست خود را با خواسته های جامعه تطبیق دهد. حال چگونه و با چه ابزاری می توان بار دیگر انسان کژ رفتار را با گروه اجتماعی خود پیوند و آشتی داد. این سوالی است که با بررسی ابزار کیفری یعنی مجازات ها آسان می توان به آن پاسخ داد. از تاثیر تربیتی بعضی از مجازات مانند اعدام، رجم و مجازات های توانگیز بطور کلی باید مایوس بود؛ زیرا، بازپروری اصولا با اجرای این قبیل مجازات ها منافات دارد. تنها مجازاتی که خصیصه تربیتی آن به ظاهر و نسبت به مجازات های دیگر بارز است کیفر زندان است: اصطلاح (حبس تادیبی) ۱ زمانی شیوه ای از اجرای مجازات را تداخل می کرد که با سیاست یک نهاد تربیتی باید منطبق می بود. ۲ امروزه دیگر از اعجاز زندان ها سخنی نیست، بلکه سعی بر این است که با تعلیق اجرای مجازات و یا آزادی مشروط و تعویق و معافیت از کیفر و یاراه کارهای دیگر در حد امکان از آثار زیانبار زندان ها تا حدودی کاسته شود. با این همه، اندیشه زندان تربیتی موجب شده است که رفت رفته غل و زنجیر از پای زندانیان باز کنند و آنان را از دخمه های تاریک و نمور قرون گذشته بیرون آورند؛ و بیش از تربیت به سلامت او ببیندیشند بطور کلی مجازات ها به صفاتی متصف اند که گاه مانع از وصول هدفی که قانونگذار از اجرای مجازات قصد کرده است می شوند.

۱- شرایط صدور معافیت از کیفر در حقوق ایران

معافیت از کیفر موضوعی است که قانون گذار در قانون مجازات اسلامی به آن پرداخته است قانون گذار با ایجاد این تاسیس دست قاضی را برای بازگشت مجرم به جامعه و تخفیف مجازات او، البته فقط در جرایم کم اهمیت یعنی در جرایم درجه ۷ و ۸ بازتر گذاشته و تعیین کرده است که در صورت احراز شرایط توسط قاضی مانند احراز اصلاح پذیر بون فرد و بار شدن جهات تخفیف بر او و نیز جبران ضرر و زیان شاکی، وی می تواند فرد مرتکب را از کیفر معاف کند. در این تاسیس نوین، با وجود احراز مجرمیت فرد بزهکار، دادگاه او را از کیفر دادگاه کیفیات مخففه را احراز کند، یعنی ابتدا مجرمیت مشخص و سپس کیفیات مخففه را احراز کند و تشخیص می دهد که اگر مجازات اجرا نشود مرتکب اصلاح می شود یا خیر؟ چرا که یکی از اهداف اعمال مجازات اصلاح مرتکب است.

^۱ ماده ۹ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴

^۲ اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی ۳، ص ۳۷-۳۶

البته قانون گذار علاوه بر ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی مواد دیگری با عنوان توبه در ماده ۱۱۴ و ۱۱۵ و یا ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی با عنوان تعویق پیش بینی کرده است.

در ماده ۳۹ ق.م.ا فقط شامل جرایم تعزیری می باشد و ماده ۴۵ شامل جرایم در درجه های ۶ تا ۸ ولی توبه علاوه بر جرایم تعزیری، جرایم موجب حد را هم شامل می شود که به صورت مفصل در قسمت های بعدی بحث خواهیم کرد.

۱-۱- قلمرو معافیت در مجازات ها در حقوق ایران

وقتی قاضی دادگاه رفتار سرزنش آمیز را با قواعد عمومی تحقق جرم منطبق ببینید موظف به صدور حکم محکومیت کیفری است. در شایع ترین فرض یعنی زمانی که میزان مجازات بین حداقل و حداکثر در نوسان است دادگاه ناگزیر به انتخاب مجازات در محدوده قانونی است. در انتخاب میزان مجازات دادگاه بنا بر اصول، چند نکته را مد نظر خواهد داشت؛ نخست، شدت اختلال ناشی از ارتکاب جرم. دوم، شخصیت بزهکار تا در زمانی کوتاه سازگاری اجتماعی دوباره او را فراهم کند. اصل مهمی که بنای قضاوت درست دادگاه در این زمینه است فردی کردن مجازات یعنی انطباق مجازات با وضع و حال یکایک بزهکاران است. در صدور حکم اقدامات تامینی و تربیتی اهمیت این اصل به مراتب آشکار تر است.

در اجرای اصل فردی کردن مجازات سه شرط دست کم باید جمع باشد تا نتیجه ای که از سیاست اصلاح بزهکاران انتظار می رود عاید گردد. نخست، از شناخت دقیق وضع روانی و اجتماعی بزهکار، دوم گستردگی طیف اقدامات کیفری تا انتخاب مناسب را میسر سازد و سرانجام برخورداری قاضی از اختیارات کافی.

گاه ملاحظات دیگر از جمله مصالح اجتماعی، قاضی را بر آن می دارد که از اصل فردی بودن مجازات عدول کند. در این حال، قاضی در تعیین نوع و میزان مجازات محدود است. قاضی مجبور است در تعیین مجازات به آنچه قانون گذار حکم کرده است وفادار بماند و یا خود مصلحت اجتماعی را بیش از منافع بزهکار بسنجد. به این ترتیب قاضی در صدور حکم از زاویه ای به قضیه می نگرد که بیش از فاعل (بزهکار) فعل (بزه) او در معرفی دآوری است. حکم دادگاه نشان می دهد فارغ از شخصیت بزهکار در مقام قضاوت رفتار بوده است.

فعل و فاعل دو عنصر مهم در تعیین حکم و تصمیم گیری قضایی است. در اجرای قواعد کیفری مانند سبب های معافیت، سبب های تخفیف همواره این دو عنصر در تعیین میزان محکومیت کیفری موثر است.

در این گفتار؛ جرایمی که در شمول این تاسیس حقوق قرار می گیرند و همچنین مجازات ها و شخصیت مجرم که در دایره مشمول معافیت قرار می گیرند می پردازیم.

۱-۱-۱- قلمرو معافیت در مجازات ها

قانون گذار برای هر جرمی مجازاتی تعیین کرده اند لیکن می توان مجموع این مجازات ها را براساس معیار دسته بندی کرد و وجوه مشترک هریک را شناخت.

در قانون مجازات اسلامی (ماده ۱۴) تقسیم بندی چهارگانه ای از مجازات ها به چشم می خورد که معیار واحدی وجه تمایز آن ها نیست ولی این تقسیم بندی چندان بی تناسب هم با وخامت نوع جرم نیست.

در ابتدای ماده ۳۹ بیان شده که (در جرایم تعزیری هفت و هشت در صورت ...) حال باید دید جرایم موجب تعزیر چیست؟ به نظر می رسد منظور از جرایم موجب تعزیر جرایمی هستند که دارای مجازات تعزیری باشد. با عنایت به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی از جمله جرایمی را که قانونگذار مجازات آن درجه هفت و هشت میباشد شامل می شود.

۱-۱-۲- قلمرو معافیت در مجرم

ما در این بخش به بررسی مجازات هایی که می توان معافیت از کیفر صادر کرد پرداختیم اما بحث مهمتر شرایطی است که خود مجرم باید برای اطلاق معافیت از کیفر داشته باشد را مورد بررسی قرار می دهیم.

از جمله شرایطی که مرتکب باید داشته باشد احراز جهات تخفیف، گذشت شاکی، فقدان سابقه کیفری موثر و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می باشد که بصورت اختصار هر مورد را توضیح خواهیم داد.

۱-۲-۱-۱- فقدان سابقه کیفری موثر

فقدان سابقه کیفری موثر بواسطه برخورداری از حسن شهرت است که در بسیاری از قوانین و مقررات آن را شرط لازم برخورداری از حقوق اجتماعی بر شمرده اند و مراد از آن بنابر اطلاق آن، از حیث شمول اعم است از جرایم حدود، قصاص، دیات و تعزیرات که چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب اصلاح می شود در صورت فقدان سابقه کیفری موثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان می تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند. همانطور که از این بند استنباط می گردد سابقه کیفری موثر مانع اعطای معافیت می باشد. حال باید دید که منظور از سابقه کیفری موثر چه می باشد. باتوجه به اینکه قانون مورد بررسی ما می باشد باید با تعریف سابقه کیفری موثر به قانون مراجعه نمود:

تبصره ماده ۳۶ قانون بیان می دارد که محکومیت موثر محکومیتی است که محکوم را پس از اجرای حکم براساس ماده ۲۵ این قانون تبعاً از حقوق اجتماعی محروم می نماید.

برای بررسی محکومیت قطعی کیفری ماده ۲۵ قانون را مورد بررسی قرار می دهیم. ماده ۲۵ بیان می دارد که محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی محکوم را پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان در مدت زمان مقرر در این ماده از حقوق اجتماعی بعنوان مجازات تبعی محروم می کند.

پس همان طور که می بینیم اولین شرطی که محکومیت یک فرد را محکومیت موثر قلمداد می نماید محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی می باشد و شامل جرایم غیر عمدی نخواهد بود.

۱-۲-۱-۱- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

وجود این بند در قانون، رویکرد قانون گذار ما را به یکی از نظریه های عدالت کیفری یعنی (عدالت ترمیمی)^۱ نشان می دهد. عدالت ترمیمی الگویی نوظهور و در عین حال کهن و ریشه دار از عدالت در امر کیفری است که از ربع آخر قرن بیستم تجدید یافته است و اکنون نه تنها در قلمرو سیاست گذاران جنایی ملی بلکه در قلمرو بین المللی نیز مورد استقبال قرار گرفته است. عدالت ترمیمی در مقابل عدالت کیفری سنتی، اصول ارزشها و برنامه ها و روشهای جدید که اصولاً مبتنی بر احیای حقوق بزه دیده و ایجاد زمینه مشارکت فعال وی و جامعه در فرآیند اجرای عدالت در امور کیفری است مورد توجه قرار گرفته است (غلامی، ۱۳۸۳).

در راستای همین امر در صورتی که فرد ضرر و زیان بزه دیده را جبران نماید یا ترتیبات جبران ضرر و زیان وی را برقرار سازد مطابق نظریه عدالت ترمیمی عدالت کیفری تحقق یافته و دیگر مرتکب مستحق اعمال مجازات نمی باشد سوالی که در اینجا پیش می آید این است که در صورتی که مرتکب اقدام به جبران ضرر و زیان بزه دیده نماید آیا رضایت و گذشت بزه دیده برای معافیت ضروری است. در پاسخ باید گفت که لزوماً نیاز به رضایت شاکی در این مورد وجود دارد و حتی در مواردی که بزه دیده اعلام رضایت ننماید ولی مرتکب اقدام به جبران ضرر و زیان های ناشی از جرم نماید وی شامل این بند و معافیت از کیفر خواهد گردید.

^۱ Restorative Justice

۱-۲-۳- احراز جهات تخفیف

کیفیات مخفف اوضاع و احوالی هستند همانند عذرهای مخفف که باعث کاهش مجازات می گردند با این تفاوت که هرگاه وجود آنها برای قاضی محرز گردید در اعطای تخفیف مختار است. کیفیات مذکور به طور حصری در هشت بند در ذیل ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است؛ و قاضی مکلف است آنها را در حکم محکومیت صریحا قید کند^۱ مهمترین فوایدی که برای کیفیات مخفف بر شمرده اند یکی منطبق کردن مجازات با شخصیت بزهکار و دیگری اجرای عدالت با عنایت به افکار عمومی است. کیفیات مخفف به قاضی اجازه می دهد تا باتوجه به روحیات و سوابق و همچنین انگیزه بزهکار در ارتکاب جرم، تمهیم خود را هرچه بهتر با وضع فعلی او متناسب سازد. سیاست فردی کردن مجازات بویژه در مواردی که کیفرهای ثابت مانند اعدام، تعیین میزان مجازات مناسب را دشوار می سازد ایجاب می کند که قاضی در این گونه موارد ابزاری در اختیار داشته باشند تا به این مقصود برسد این ابزار همان کیفیات مخفف است.

دادگاه در تشخیص کیفیات محدود به جهاتی است که قانون گذار مقرر کرده است. جهات تخفیف در قانون سابق طی ۶ بند پیش بینی شده بود که در قانون جدید در هشت بند آمده است.

جهات هشتگانه ای که در ذیل ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده اوضاع و احوالی هستند یا مقدم بر وقوع جرم و یا متاخر بر آن و یا حالتی روانی که انگیزه ارتکاب جرم بوده است. کیفیات مذکور عبارت است از: گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، همکاری موثر متهم، حالت بر انگیزگی و انگیزه شرافتمندانه متهم، اعلام و اقرار متهم، ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم، کوشش متهم پس از جرم، خفیف بودن زیان وارد شده به بزه دیده یا نتایج زیانبار جرم، مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم.

به استثنای بند الف ماده ۳۸ که راجع به جرایم قابل گذشت است و نتیجتا منجر به صدور قرار موقوفی تعقیب می گردد. جهات تخفیف موضوع ماده ۳۹ راجع به جرایم قابل گذشت و غیر قابل گذشت می باشد.

در بند ت ماده ۳۸ که مربوط به اعلام و اقرار متهم می باشد بیان این نکته ضروری است که قبل از تعقیب و تحقیق اعلام است اما بعد از تعقیب و تحقیق اقرار است. در قانون سابق تخفیف مجازات منجر به تقلیل کیفر می شود اما طبق این ماده در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ در صورت احراز جهات تخفیفی چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت تشخیص دهد با وجود شرایطی او را از مجازات معاف می کند.

۱-۲-۴- گذشت شاکی

گذشت به معنی بخشایش است و گذشت متضرر از جرم یعنی چشم پوشی مجنی علیه از تعقیب متهم و یا مجازات محکوم علیه. با گذشت متضرر از جرم اجرای مجازات در همه حال ساقط نمی گردد بلکه گذشت متضرر از جرم هنگامی موثر است که جرم از جرایم قابل گذشت باشد؛ یعنی بزه هایی که تعقیب بزهکار متوقف بر مطالبه شاکی است و با گذشت او تعقیب کیفری موقوف می گردد.

طبق ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی قاضی دادگاه در صورتی می تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند گذشت شاکی همراه با دیگر شرایط باشد. جرایمی که می توان حکم به معافیت از کیفر راجع به آنها صادر کرد هم جرایم قابل گذشت را شامل می شود و هم جرایم غیر قابل گذشت که در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ بعضی از جرایم قابل گذشت می باشند و بعضی از آنها غیر قابل گذشت.

مراد قانون گذار از گذشت شاکی برای صدور حکم معافیت از کیفر فقط جرایم قابل گذشت نمی باشد، معافیت از کیفر جرایم غیر قابل گذشت را هم شامل می شود.

^۱ (تبصره ۱ ماده ۳۸)

قانون گذار جرایم قابل گذشت را در ماده ۱۰۴ قانون احصا کرده که بعضی از این مواد احصا شده در ماده ۱۱۴ در دایره شمول ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی قرار می گیرد. من جمله می توان مواد ۶۳۲، ۶۸۵، ۷۰۰ و ... را می توان نام برد. در جرایم قابل گذشت با گذشت شاکی موقوفی تعقیب صادر می شود و دیگر نیازی به صدور حکم معافیت از کیفر نیست؛ اما در ماده ۳۹ اشاره به موادی علاوه بر جرایم قابل گذشت به جرایم غیر قابل گذشت دارد که در صورت دارا بودن سایر شرایط همراه با گذشت شاکی می توان حکم به معافیت صادر کرد.

معاذیر قضایی از سوی دادگاه در حین صدور حکم اعمال می شوند که به دو نوع می باشند من جمله معاذیر قضایی تخفیف دهنده ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی و معاذیر قضایی معاف کننده در ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی می باشد.

تفاوتی که معاذیر قانونی و قضایی دارند این است که معاذیر قضایی اختیاری و در صلاحدید دادگاه می باشد. وی معاذیر قانونی دادگاه در صورت وجود شرایط آن ملزم می باشد و همچنین معاذیر قضایی بصورت عام و کلی و محدود به جرم خاصی نمی باشد ولی قانونی بصورت موردی و در مورد هر جرم بصورت خاص بیان شده است. معافیت قضایی فقط شامل تعزیرات می شود ولی معاذیر قانونی علاوه بر تعزیرات حدود، دیات و قصاص را هم در بر می گیرد. (شمس ناتری ۱۳۴۳)

در ماده ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی که دادستان مخالف سقوط با تخفیف مجازات باشد می تواند به مرجع تجدید نظر اعتراض کند. باتوجه به اطلاق ماده مزبور به نظر می رسد دادستان در حدود جرایم تعزیری که باتوجه مجازاتشان ساقط می شود دارای چنین اختیاری است و امکان قانونی اعتراض موضوع ماده مزبور برای دادستان، از باب داشتن وصف مدعی العموم بودن وی می باشد که براساس آن از توانایی قانونی مزبور برخوردار است.

اعتراض موضوع این ماده بایستی مستند و موجه باشد چرا که درخواست بدون دلیل و نا موجه معدوم نمودن مجرمین از حقوقی که در قانون برخوردار از آن برای ایشان پیش بینی شده مردود است. چون حقوق عالم دلیل و استدلال است و به صرف ادعا نمی توان حقی را از کسی سلب نمود.

۱-۲- اختیار قاضی صادر کننده حکم

ناکارآمدی قوانین دادرسی و توجیح نبودن مراجع قضایی، وجود خصیصه ی ابهام، اجمال، تناقض و تهافت در قوانین و مقررات دادرسی بویژه درباره ی تعیین میزان اختیارات و تکالیف قضات در استناد از تاسیس های حقوقی یکی دیگر از دلایل مهم افزایش آمار ورود به زندان می باشد. فراموش نکنیم که همواره بخش مهم جمعیت زندان را زندانیان منتظر محاکمه و بازداشت موقت تشکیل می دهند.

به زعم بسیاری از متصدیان نظام کیفری به حبس کوتاه مدت باید بعنوان آخرین حربه نگریسته شود و فقط زمانی مورد استفاده قرار بگیرد که ضروری و معقول و قانونی باشد. بر این اساس، توجیه مقام مراجع قضایی نسبت به مسائل زندان و آگاهی و اطلاع آنان در خصوص امور زندانبانی رابطه مستقیم با تصمیمات آنان در رابطه با مجرمین خواهد داشت. متأسفانه، اکثر قضات کشور از جو حاکم بر زندان ها بی اطلاع بوده و همین موضوع امر را بر آنها مشتبه گردانیده و سبب شده است که به زعم خودشان به منظور تنبیه مجرمان حتی اگر یک شب هم که شده است آنان را روانه زندان کنند و این امر در حالی صورت گرفته است که براساس موازین قانونی امکان معرفی نکردن بزهکار به زندان نیز وجود داشته است. غافل از اینکه حتی یک شب زندانی که فاقد سابقه می باشد در زندان نه فقط رعب زندان را برای او از بین می برد. بلکه در تاثیر سو و بدآموزی های متداول زندان روحیه ارتکاب بزه در مورد مجرم گسترش می یابد و پس از آزادی از زندان نیز بدون واهمه ی قبلی و با جسارت بیشتری نسبت به عملیات مجرمانه اقدام می کند. دیدگاه قضات ناظر زندان که اشراف و آگاهی نسبت به امور زندان ها دارند حتی در بعضی موارد کاملاً با سایر مراجع قضایی دیگر تفاوت دارد بعضاً مشاهده شده است که قاضی در مورد مجرم قرار صادر کرده و امکان تودیع قرار از سوی متهم نیز وجود داشته است. لیکن قاضی صادر کننده قرار تمعدا متهم را تا آخر وقت اداری نگه داشته است و به هر تقدیر متهم را از انجام اقدامات لازم به منظور معرفی به زندان محروم و نهایتاً او را روانه زندان می کند.

حتی در بسیاری از موارد مشاهده شده است که اشخاص بعنوان برای رفع حالت خطرناک به زندان روانه شده اند. در حال حاضر که امکانات مجهز و کافی روان درمانی این دسته از بیماران در زندان ها وجود ندارد. بدون اینگونه مجرمان غیر مسئول در زندان ها نه فقط حالت خطرناک و بیماری آنها را مرتفع نمی کند بلکه ممکن است جهت معکوس نیز داشته باشد و بیماری روانی آنان نیز حادثر شود. اختیار حاکم در تعزیرات بسی گسترده تر است چه که او حق معین کردن اندازه کیفر و چگونگی آن را به گونه ای که کمتر از حد باشد داراست و این مطلب از بررسی روایات مختلف در موارد گوناگون بخوبی بدست می آید. برای آنکه عدالت جزایی باتوجه به خصوصیات و اوضاع و احوال هر جرم صورت گیرد و ضروری کردن مجازات ها تحقق یابد لازم است قاضی دادگاه بتواند در موارد مقتضی در مجازات مرتکبین جرم تخفیف قائل شود یا او را از مجازات معاف کند. قاضی دادگاه برای صدور حکم معافیت باید چند مورد را که در راستای فردی کردن، تعدیل اجرای مجازات می باشد را در نظر بگیرد و بعد از حصول شرایط برای قاضی و اقناع وجدان حکم به معافیت صادر می کند که ما در اینجا به چند مورد از آن اشاره می کنیم:

۱-۲-۱- احراز مجرمیت مرتکب

یکی از شرایط ماهوی برای صدور حکم معافیت احراز مجرمیت متهم می باشد. بدین معنی که قاضی پس از اینکه در جلسه دادگاه کیفرخواست توسط نماینده دادستان قرائت گردید و دادگاه پس از اینکه دفاعیات متهم را مورد ارزیابی قرار داد و باتوجه به ملاک و محتویات پرونده مجرم بودن متهم را تشخیص داد در این حالت است که دادگاه می تواند با احراز سایر شرایط مبادرت به صدور حکم معافیت از کیفر نماید والا اگر دادگاه پس از بررسی محتویات پرونده و دفاعیات متهم، مجرمیت وی را احراز ننمود باید حکم به برائت وی بدهد نه اینکه حکم معافیت صادر کند. به عبارت دیگر منظور از معافیت محکومیت فرد به مجازات است نه محکومیت به برائت.

آیا صدور حکم معافیت از کیفر قابل تجدید نظر می باشد یا قطعی است؟ در پاسخ به این سوال می توان گفت: که باتوجه به ماده ۵۵ چنانچه دادگاه صادر کننده حکم یا دادستان احراز نماید که محکوم علیه حائز شرایط مقرر قانونی جهت معافیت از کیفر نبوده می تواند لغو معافیت از کیفر را از دادگاه صادر کننده حکم تقاضا نماید. این حکم پس از طی مراحل قطعی می شود. البته زمانی که دادگاه حکم صادر کند بطور قطع این حکم قطعی نیست، زیرا هنوز مرحله تجدیدنظر نیز وجود دارد. ملاحظات وضعیت فردی، خانواده و اجتماعی مرتکب باتوجه به اوضاع و احوال منجر به ارتکاب جرم یکی از شرایط بسیار مهم برای اعطای معافیت، ملاحظات خصوصیات فردی، اوضاع و احوالی که مرتکب در آن اوضاع و احوال مرتکب جرم گردیده است می باشد که احراز این شرط در راستای اصل فردی کردن مجازات ها بسیار مهم و تاثیرگذار محسوب می گردد. بر فرض مثال: اگر مرتکب تحت تاثیر هیجانان آنی یا فشار روانی بسیار زیاد مرتکب جرم گردیده باشد یا از نظر خانوادگی در سطح بالای اجتماعی و فرهنگی باشد و یا سایر مواردی که قاضی دادگاه با بررسی آنها و باتوجه به شم قضایی خود پیش بینی اصلاح مرتکب را بکند می تواند حکم به معافیت از کیفر وی را صادر کند.

۱-۲-۲-۱- پیش بینی اصلاح مرتکب

یکی از شرایطی که برای صدور حکم معافیت باید مد نظر قاضی دادگاه باشد پیش بینی اصلاح مرتکب می باشد. احراز این شرط برای قاضی صادر کننده بسیار مشکل بوده و به نظر نگارنده یکی از انتقادات وارد به این قانون همین بند است. اصولا پیش بینی به معنی احراز یک امر پیش از زمان رخ دادن آن امر می باشد. بحث در این مورد که آیا اصولا پیش بینی وجود خارجی دارد یا خیر. بحث معضل و جداگانه ای را می طلبد. ولی آنچه مسلم است این است که قاضی دادگاه با سازوکارهای فعلی چگونه قدرت پیش بینی اصلاح فرد را خواهد داشت چرا که اصولا اصلاح فردی که مرتکب جرم است نیازمند عوامل متعددی من جمله عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... می باشد. در جواب می توان گفت شاید منظور قانون گذار از این بند پیش بینی اصلاح فرد باتوجه به اوضاع و احوال موجود می باشد مانند توبه و اظهار ندامت فرد در محضر دادگاه، انجام

کارهای عام المنفعه توسط فرد مرتکب و ... می باشد. همان طور که بیان نمودیم باز وجود این اوضاع و احوال نشان از اصلاح مرتکب نبوده و چه بسا ظاهری و برای فرار از اعمال مجازات باشد.

در ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی قاضی دادگاه در صدور حکم معافیت مختار است یعنی هم می تواند او را محکوم به مجازات کند و هم می تواند او را از مجازات معاف کند که از جمله معاذیر قضایی محسوب می شوند. معاذیر امری هستند که مقنن پیش بینی می کند و خاصیت آنها کاستن مجازات از حداقل و یا از بین بردن کامل مجازات می باشد که مقنن دو نوع زیر پیش بینی کرده: معاذیر قانونی و معاذیر قضایی

اختیاری بودن صدور حکم معافیت با اصل یکصد و شصت و شش منافات دارد در اصل ۱۶۶ قانون اساسی احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است در صورتی مجرمی تمامی شرایط صدور ماده ۳۹ را داراست دادگاه مکلف به صدور معافیت است.

معاذیر قانونی خود به دو نوع: معاذیر تخفیف دهنده که مصداق آن ماده ۵۵۴ می باشد و معاذیر قانونی معاف کننده مصداق آن ماده ۵۰۷ و ۵۲۱ می باشد.

۲- شرایط صدور معافیت از کیفر در حقوق فرانسه

در قانون مجازات فرانسه قانون گذار برای اجرای اصل فردی کردن مجازات و یا تعدیل اجرای مجازات به تاسیس ها یا نهاد هایی اشاره کرد که قاضی دادگاه در حین صدور حکم و یا بعد از صدور حکم می تواند آن را مد نظر قرار دهد که قاضی دادگاه در صدور حکم باید شخصیت مرتکب را مورد توجه قرار دهد.

در این قانون به مواردی از آن اشاره شد که از جمله می توان به ماده ۵۸-۱۳۲ و ۵۹-۱۳۲ و همچنین ماده ۹-۱۳۳ را نام برد که ما در این گفتار قصد بررسی این مواد و قلمرو آن در جرایم و مجازات ها را داریم.

۲-۱- قلمرو معافیت در جرایم و مجازات و مجرم در حقوق فرانسه

ما در این گفتار به جرایم و مجازات هایی که در دایره شمول مواد فوق الذکر قرار می گیرند و همچنین شرایطی که مجرم باید داشته باشد برای صدور معافیت را مورد بررسی قرار می دهیم.

۲-۱-۱- قلمرو معافیت در مجازات ها

درخصوص کیفرهایی که قانون گذار آنها را دایره شمول معافیت قرار داده باید در مرحله نخست بین سه واژه ی حبس شاق و حبس جنایی و حبس جنحه ای تفاوت قایل شویم زیرا هریک از این سه واژه مفهوم حقوقی خاصی دارد اگرچه ماهیت هر سه ی آنها یکسان یعنی حبس است.

همانطور که می دانید حبس شاقه کیفری است که برای بزه های جنایی حقوق عام پیش بینی شده. حبس جنایی کیفری است که برای بزه های سیاسی پیش بینی شده است هنگامی که این بزه ها، بزه های جنایی را تشکیل می دهند.

حبس جنحه ای کیفری است که برای بزه های جنحه ای (خواه بزه حقوق عام و خواه بزه سیاسی) پیش بینی شده است؛ بنابراین همانطور که ملاحظه گردید هریک از این سه واژه بار جنایی خاصی را به دنبال دارد. شایان یادآوری است که حبس شاقه تا سال ۱۹۶۰ میلادی به مفهوم کیفر تریبی و تزهیلی پیش بینی شده برای بزه های جنایی حقوق عام بود. از سال ۱۹۶۰ میلادی حبس شاقه مفهوم کیفر تریبی و تزهیلی را از دست می دهد و از این پس مفهوم کیفر حبس را به خود می گیرد. (لوترمی، ۱۳۸۷)

در مرحله ی بعد کیفرهای قابل اعمال بر اشخاص حقیقی را بیان کنیم.

کیفرها را در قانون مجازات فرانسه به سه دسته تقسیم می شوند که عبارتند از کیفرهای جنایی کیفرهای جنحه ای و کیفرهای خلافی که هر کدام از آنها براساس شدت و ضعف جرایم به موارد متعدد تقسیم می شوند.

کیفرهای جنایی پیش بینی شده برای اشخاص حقیقی عبارتند از: ۱:

حبس جنایی ابد

حبس جنایی حداکثر ۳۰ سال

حبس جنایی حداکثر ۲۰ سال

حبس جنایی حداکثر ۱۵ سال

و کیفرهای جنحه ای پیش بینی شده برای اشخاص حقیقی عبارتند از: ۲:

حبس جنحه ای

جریمه

جزای نقدی روزانه

آموزش شهروندی

کار با منفعت عمومی

کیفرهای محروم کننده یا محدود کننده ی حقوق پیش بینی شده در ماده ۶-۱۳۱

کیفرهای تکلیف پیش بینی شده در ماده ۱۰-۱۳۱

ضمانت اجرا - ترمیم

و همچنین رده بندی کیفرهای حبس جنحه ای به قرار زیر است: ۳:

حداکثر ۱۰ سال

حداکثر ۷ سال

حداکثر ۵ سال

حداکثر ۳ سا

حداکثر ۲ سال

حداکثر ۱ سال

حداکثر ۶ ماه

حداکثر ۲ ماه

کیفرهای خلافی پیش بینی شده برای اشخاص حقیقی عبارتند از: ۴:

جریمه

کیفرهای محروم کننده یا محدود کننده ی حقوق پیش بینی شده در ماده ی ۴-۱۳۱

کیفر «ضمانت اجرا - ترمیم» پیش بینی شده در ماده ی ۱-۱۵-۱۳۱

بزه هایی که جریمه ی آنها کمتر از ۳۰۰۰ یورو باشد از جمله بزه های خلاق را تشکیل می دهند. مبلغ جریمه در بزه های خلافی به شرح زیر است:

.article 131-1۸

.article 131-3۹

.article 131-4۱۰

.article 131-12۱۱

حداکثر ۳۸ یورو برای خلافی های درجه ی یک
حداکثر ۱۵۰ یورو برای خلاف های درجه ی دو
حداکثر ۴۵۰ یورو برای خلاف های درجه سه
حداکثر ۷۵۰ یورو برای خلاف های درجه چهار
حداکثر ۱۵۰۰ یورو برای خلاف های درجه پنج

باتوجه به آنچه که در مورد هدف قانون جرا گفته شد اقدامات کیفری نباید منحصر به صدور حکم مبنی بر تحمل مقداری مشقت و زجه به مجرمین باشد. مجازات فی نفسه هیچ عملی برای اعتلا سطح فرهنگ و یا تعلیم و تربیت انجام نمی دهد. بدنامی و رسوایی که لازمه هر حکم کیفری است خود بزرگترین مانع اصلاح و بازسازی مجرمین است. در ماده ۵۸-۱۳۲ قانون گذار به یکی از شروط صدور معافیت از کیفر را در مجازات های جنحه ای و خلافی اشاره کرده است که ما در این بخش همه موارد مجازات جنحه ای و خلافی را بیان کردیم. جرایمی که با مجازات های ذکر شده منطبق باشد می تواند قاضی دادگاه حکم به معافیت صادر کند. البته منظور قانون گذار معافیت مجرمین در مجازات های سبک می باشد که مجازات های خلاف و جنحه ای از جمله مجازات های سبک در قانون مجازات فرانسه می باشند.

۲-۱-۲- قلمرو معافیت در جرایم

در بند قبلی به تقسیم بندی مجازات ها در قانون مجازات فرانسه پرداختیم. در این بند به جرایم در قانون مجازات فرانسه می پردازیم. همچنین قلمرو معافیت در جرایم قانون مجازات فرانسه را بیان خواهیم کرد. در حقوق فرانسه جرایم به جنایت، جنحه و خلاف تقسیم می شوند کیفر سالب آزادی از زمان تصویب قانون جزای جدید فرانسه (۱۹۹۲) شامل جرایم خلافی نمی شود، بلکه کیفر اصلی در مورد این گونه جرایم جریمه یا جزای نقدی است. کیفر مرگ در سال ۱۹۸۱ از زرادخانه کیفری فرانسه حذف شد؛ بنابراین کیفر سالب آزادی بعنوان شدیدترین مجازات اصلی نسبت به مرتکبان جنایت اعمال می گردد؛ بنابراین بحث معافیت در مورد جرایم جنایی متصور نیست اما در زمینه جنحه و خلاف قاضی به معافیت از کیفر متوسل می شود.

در مرحله محاکمه در سال ۱۹۸۴ تعداد احکام حبس صادره ۱۱۵۳۹۰ فقره بوده است که در سال ۱۹۹۸ به ۹۹۳۲۶ فقره کاهش پیدا کرده است؛ یعنی کاهش ۱۰ هزار مورد محکومیت سالب آزادی چند مورد از جرایمی که مصادیق معافیت از کیفر در قانون مجازات فرانسه می باشند می توان ماده ۱-۱۶-۲۲۵ اعمال خفت بار در مراسم ماده ۴-۲۲۷ رها کردن خانواده، ماده ۶-۲۲۷ جرایم مثبت به ولایت پدری، ماده ۱۲-۲۲۷ جرایم نسبت به وابستگی به فرزند، ماده ۱-۱۷-۲۲۷ قصور پدر و مادر یا ولی، ماده ۵-۳۱۳ و ۶-۳۱۳ جرایم شبیه به کلاهبرداری و ماده ۷-۳۲۱ جرایمی که در حکم دریافت مال نامشروعند را نام برد.

۲-۱-۳- قلمرو معافیت در شخصیت مجرم

در قانون جزای فرانسه در صورتی که حکم به معافیت از کیفر مجرم صادر می شود که شرایطی در مورد خود مجرم حصول پیدا کرده باشد از جمله این شرایط بازگشتن به وضع نخستین اجتماعی خود و همچنین جبران ضرر و زیان و خسارات وارده می باشد.

وقتی فردی مرتکب جرمی می شود مجرم از شخصیت اجتماعی که قبلا داشته فاصله می گیرد و همچنین از جامعه ای که در آن زندگی می کند جدا می شود. در هر جامعه ای قوانین و مقرراتی وجود دارد که همه افراد موظف به اجرای آن می باشند این سازگاری با اجتماع را نشان می دهد کسی که قوانین و مقررات جامعه را رعایت نکند این نوعی ناسازگاری اجتماعی است که نظم و امنیت جامعه را به هم می زند و خود فرد از جامعه و یا محیط اجتماعی که در آن زندگی می کند طرد می شود.

مجرمی که مرتکب جرم شده و در مراجع قضایی مجرمیت او احراز گردیده اگر عوامل روحی روانی و رفتار او برای قضاوت محرز شود که او به حالت نخستین اجتماعی خود بازگشته است می توان او را از کیفر معاف کند. این رفتار می تواند احساس ندامت، پشیمانی او از عمل ارتكابی خود باشد.

در بعضی موارد مجرمین به ظاهر احساس ندامت و پشیمانی می کنند که موجب تضعیف در مجازات های آنها شود و یا منتهی به صدور حکم معافیت شود که قضاوت باید با درایت خود این شرط را به درستی احراز کنند. همچنین از دیگر شرایط جبران ضرر و زیان و خسارات وارده می باشد هر جرم ارتكابی بزه دیده هم دارد حال ممکن است بزه دیده جامعه و منافع جامعه باشد یا افراد جامعه.

هرگونه اقدامی که متهم بعد از وقوع جرم برای جبران ضرر و زیان مادی و معنوی حاصل از جرم را کرده باشد و یا اینکه سعی در جبران ضرر و زیان داشته باشد و همچنین ترتیباتی را برای جبران ضرر و زیان قرار داده باشد قاضی دادگاه می تواند او را با داشتن سایر شرایط او را از مجازات معاف کند.

۲-۲- اختیار قاضی صادر کننده حکم

شخصی کردن کیفر ها منجر به فردی کردن کیفرها است. بدین مفهوم که دادرسی باید برحسب اوضاع و احوال ارتكاب بزه و همچنین شخصیت مرتکب کیفر مناسب را برای بزهکار تعیین کند. امروزه اصل شخصی کردن کیفرها بعنوان اصل بنیادین حقوق کیفری توضیح و ترجیح می نماید که کیفر بصورت عینی تحمیل شده به متهم نباید کپی کامل کیفر بصورت انتزاعی تعیین شده بوسیله ی قانون گذار باشد. در حقیقت میان کیفر پیش بینی شده و کیفر مورد حکم قرار گرفته یک عالم فاصله وجود دارد همان طور که میان کیفر مورد حکم قرار گرفته و کیفر اجرا شده فاصله زیادی وجود دارد.

در معافیت از کیفر با وجود اینکه بزهکاری شخصی تحت تعقیب برای دادرسی ثابت شده است ولی وی مختار است که هیچگونه کیفری را مورد حکم قرار ندهد، بی آنکه محافظه کاری کنیم گفتنی است که این اختیار فقط در قلمرو بزه های جنحه ای و خلاف به دادرسان واگذار شده است و آنها نمی توانند از این اختیار استفاده کنند مگر اینکه سه شرط همزمان باهم وجود داشته باشد: یعنی باز پروری بزهکار، جبران خسارت های ناشی از بزه و توقف ادامه ی آسیب به نظم عمومی.

در معافیت از کیفر به شرح زیر قابل تصور است:

شرایط سه گانه ی یاد شده در بالا هنگام صدور رای توسط دادگاه صادر کننده ی حکم وجود دارند؛ بنابراین در چنین حالتی دادگاه می تواند تصمیم بگیرد که هیچ گونه کیفری نه کیفر اصلی و نه کیفر جانشین را مورد حکم قرار دهد. این حالت به معافیت از کیفر گنجانده شده در مواد ۵۸-۱۳۲ و ۵۹-۱۳۲ مجموعه قانون کیفری مربوط شود. ممکن است که شرایط سه گانه یاد شده در بالا تکمیل نشده باشد ولی در جریان تکمیل شدن باشد؛ بنابراین دادگاه می تواند تصمیم به تعویق صدور حکم یا تعیین تاریخی در محدوده ی یک سال بگیرد که در آن تاریخ در مورد کیفر حکم صادر خواهد کرد. در این جلسه دوم دادرسان بر مبنای این که شرایط یاد شده در این زمان رضایت بخش است یا خیر شخص ذینفع را محکوم یا از کیفر معاف می نماید و یا برای بار دوم ولی آخرین بار صدور حکم را به تعویق می اندازد.

۳- مقایسه دو نظام در صدور معافیت از کیفر

در این بخش نگارنده به مقایسه دو نظام حقوقی ایران و فرانسه پرداخته و وجوه افتراق و اشتراک آنها رامشخص کرده است که در اکثر پژوهش های تطبیقی فصلی یا گفتاری را به این مباحث اختصاص میدهند.

۳-۱- وجوه اشتراک

تولد جرم شناسی و به دنبال آن رویکرد تحقیقی به جرم، موجب جابجایی نگاه کیفر از بزه به بزهکار شد. در این چهار چوب بود که باز پروری، اصلاح باز سازگاری اجتماعی یا باز پذیر سازی بزهکار به عنوان یک کارکرد جدید برای حقوق کیفری تعریف شد

و در پی آن بحث شخصی کردن مجازات‌ها و در نتیجه متنوع کردن کمی و کیفی ضمانت‌اجراهای کیفری مورد توجه مکاتب و حقوق دانان کیفری و سپس قانون‌گذاران قرار گرفت.

قانون‌گذار محترم هم در قانون جزای فرانسه و هم در قانون مجازات اسلامی ایران برای قضات اختیاراتی تعیین کرده‌اند و دست قاضی را برای صدور حکم باز گذاشته است تا بتوانند با توجه به روحیات، شخصیت متهم حکم صادر کند. یکی از این اختیارات معافیت از کیفر است که در هر دو نظام حقوقی نام برده اختیاری می‌باشد. قضات دادگاه مختارند که متهم را محکوم به مجازات کنند و یا اینکه آنها را از مجازات معاف کنند.

برای صدور معافیت از کیفر در این دو نظام حقوقی شرایطی لازم می‌باشد که در بعضی از این شرایط با هم وجه اشتراک دارند از جمله می‌توان جبران خسارات ناشی از جرم را نام برد که هم در قانون جزای فرانسه و هم در قانون جزای ایران به آن اشاره شده است.

از دیگر شرایط بازپروری بزهکار و یا همان اصلاح مجرم می‌باشد همان طور که گفته شد هدف ما از مجازات اصلاح مجرم می‌باشد در صورتی که مجرم اصلاح شده یعنی دوباره آماده برای زندگی در اجتماع باشد مجازات دیگر اثر نخواهد داشت. از جمله شرایط اشتراکی بین این دو نظام حقوقی احراز مجرمیت توسط قاضی دادگاه می‌باشد. در هر دو نظام دقیقاً به این نکته اشاره شده که در صورتی می‌توان حکم به معافیت داد که قاضی دادگاه مجرمیت فرد را احراز نماید. صدر حکم معافیت برای مجرمیت می‌باشد در صورتی مجرمیت فرد احراز نشود طبق معمول تبرئه می‌شود که معافیت و تبرئه دو موضوع جداگانه و تفاوت بسیاری دارند.

۳-۲- وجوه افتراق

قانون‌گذار در قانون جزای فرانسه جرایمی را که در دایره شمول معافیت از کیفر (۵۸-۱۳۲ و ۵۹-۱۳۲) قرار می‌گیرند را مشخص کرده که از جمله جرایم جنحه‌ای و خلافی می‌باشند که مراد از ذکر جرایم جنحه و خلاف، جرایم سبک می‌باشند.

جرایم در قانون مجازات فرانسه همانطور که قبلاً ذکر کردیم به سه دسته‌ی جنایی، جنحه و خلاف می‌باشد که جنایی اصلاً مورد معافیت قرار نمی‌گیرد.

اما در قانون مجازات اسلامی جرایم چهار دسته می‌باشند که می‌توان قصاص، حدود، دیات و تعزیرات را نام برد. معافیت از کیفر که در ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی اشاره دارد و شامل جرایم دیگر نمی‌شود.

قانونگذار جرایم تعزیری را به هشت درجه تقسیم کرد که معافیت فقط جرایم درجه ۷ و ۸ را در بر می‌گیرد. وجوه افتراقی این تاسیس حقوقی در دو نظام در بخش جرایم و مجازات‌ها می‌توان به آن اشاره کرد این است که در قانون فرانسه قلمرو معافیت به نسبت خیلی بیشتر از قانون مجازات اسلامی می‌باشد.

مجازات‌های تعزیری درجه ۷ و ۸ همانطور که قبلاً اشاره کردیم جرایمی که مجازات آنها حبس کمتر از شش ماه و جزای نقدی کمتر از ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال اشاره دارد اما در قانون مجازات فرانسه همانطور که در تقسیم بندی مجازات‌ها دیدیم که جرایم جنحه‌ای با مجازات حتی بالاتر از شش ماه را در بر می‌گیرد بر این اساس قلمرو معافیت در قانون مجازات فرانسه بیشتر است.

وجه افتراق دیگری که باید در اینجا به آن اشاره کرد این است که مثلاً مجرمی در ایران مرتکب جرمی که در قلمرو تاسیس حقوقی معافیت از کیفر قرار می‌گیرد نسبت به مجرمی که در فرانسه مرتکب جرمی که در قلمرو معافیت می‌باشد شرایطی که باید داشته باشد و موانعی که وجود دارد تا از صدور کیفر معاف شود بیشتر است.

در قانون فرانسه شرایط صدور معافیت از کیفر اصلاح بزهکار، جبران خسارات ناشی از جرم و همچنین توقف ادامه آسیب به نظم عمومی می‌باشد. در صورتی که در قانون مجازات ایران علاوه بر جبران خسارات و اصلاح مجرم شرایط دیگری از جمله فقدان سابقه کیفری مؤثر، گذشت شاکی و همچنین احراز جهات تخفیف می‌باشد که در این صورت شرایطی که مجرم باید دارا باشد و یا موانعی بر سر راه صدور معافیت از کیفر وجود دارد در قانون مجازات اسلامی ایران بیشتر است.

نتیجه گیری و پیشنهادات

برای شناخت شخصیت در مرحله اجرای حکم نیز به مأمورین اجرا اجازه خواهد داد که با توجه به نتایج حاصل از اجرای حکم، تأثیر آنرا در مورد هر محکوم مورد بررسی قرار داده و دریابند که آیا نتایج مطلوب بدست آمده و با اینکه بایستی در روش اجرای حکم متناسب با شخصیت محکوم تغییراتی داده شود؛ و بدین ترتیب با امعان نظر در نتایج بدست آمده اقدامات بعدی را پی ریزی نمایند باز هم در مقام مقایسه مثل طبیعی است که در هر مورد با توجه به نتایج بدست آمده از داروهای قبلی، روش معالجه را تعیین و تعقیب می نمایند.

مجموع این اقدامات که بر مبنای شناسایی شخصیت محکم استوار است. از مباحث بسیار مهم جرم شناسی بالینی بوده و بقاضی و مأمورین اجرا حکم فرصت خواهد داد که بنحوی اقدام نمایند که هم عکس العمل تعیین شده متناسب با شخصیت محکم باشد و هم با بازسازی وی بنحوی اقدام گردد که همانطور که فراتر سازمان ملل است

حقوق جزای ایران که اقتباس شده از حقوق جزای فرانسه می باشد مواردی که از تأسیس های نوین حقوقی در حقوق ایران یافت می شود از جمله ماده ۳۹، ۴۰ و ۴۶ که قبل از اینکه در قانون ایران به تصویب برسد. حقوق دانان فرانسوی در حقوق جزای خود آن را قانون گذاری کرده اند پس این نشانی از الهام و اقتباس حقوق جزای ایران از حقوق جزای فرانسه می باشد. در رابطه با تأسیس های جدیدی که در حقوق ایران پیش بینی شده که البته این تأسیس های حقوقی در زیر آزمایش ها در حقوق فرانسه نتیجه مثبت بدست آورده که سیستم حقوقی فرانسه با مشاهده جمعیت آماری زندانیان در چند سال متوالی می توان به این امر مهم دست یافت.

تصویب این تأسیس های حقوقی با مخالفت ها، انتقادات و ایراداتی همراه بود. اکثر منتقدان به مغایر بودن این تأسیسات با اصول قانون اساسی و قانون مجازات دانستند. بیشتر انتقادات آن ها این بود که این قانون با اصل ۱۶۷ قانون اساسی و هم چنین با اصل قانون بودن جرایم و مجازات ها مغایر است به این معنی که اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها بر این نکته تأکید دارد که هر فردی مرتکب فعلی در قانون جرم شناخته شده مجرم است و باید مجازات شود معافیت جایگاهی ندارد با در اصل ۱۶۷ قانون اساسی قاضی را موظف کردن که سعی در صدور کم مجازات هر فعلی را در قوانین بیابد و اگر نیافت در منابع معتبر فقهی و یا فتوای معتبر کند و نمی تواند با بهانه سکوت، یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین از صدور حکم امتناع کند. عقاید این افراد بیشتر توجه به فعل ارتكابی و یا جرم می باشد و به شخصیت مرتکب هیچ توجهی نکرده اند.

صدور این حکم به معنی تبرئه شدن و یا در پناه اصل برائت قرار گرفتن متهم نیست. معافیت از کیفر با اصل برائت تفاوت زیادی دارد. متهمینی که هنوز مجرمیت آن ها احراز نشده فقط می توانند در پناه اصل برائت قرار گیرند. زمانی که مجرمیت فردی احراز شود دیگر اصل برائت منتفی می شود. مجرمیت فقط برای مجرم صادر می شد و نه برای متهم کسی تبرئه می شد که مرتکب جرمی نشده باشد. در صورتی که در اینجا فرد مرتکب جرم شده و مجرمیت آن احراز شده است.

هدف اصل مجازات و یا رسالت مجازات ها اصلاح مجرم می باشد از شروط اصلی صدور معافیت در قانون فرانسه به نظر نگارنده اصلاح مجرم و باز اجتماعی شدن می باشد که هدف قانون گذاری و حقوق دانان فرانسه باز گرداندن مجرم به اجتماعی می باشد.

۱- فردی کردن مجازات در مرحله دادرسی برای تعیین بهترین نوع واکنش حتی المقدور انصراف از صدور حکم مجازات باید به یک الزام قضایی جدی درآید و در صورت صلاحدید، واحدی در دادگستری ما تشکیل و نظارت مستقیم و دقیق بر این مقوله داشته باشد. استفاده از متخصصان و روان شناسان بالینی در محاکم قضایی آنگونه که در کشورهای پیشرفته ی حقوقی متداول و مرقوم است می تواند بسیار مفید واقع شوند.

۲- قضات باید ملزم شوند که از تأسیسات و نهادهای حقوقی مانند معافیت از کیفر که باعث معرفی نکردن مجرم به زندان و در نتیجه کاهش آمار جمعیت کیفری می شود بیشتر استفاده کنند. بدین منظور ضروری نماید که شرایط اعمال چنین تأسیساتی تسهیل شود؛ و قلمرو آن بیشتر شود. تا از این حیث مانعی در بین نباشد.

۳- قدر مسلم، ایجاد و طراحی برنامه های آموزش و منظم سالانه برای قضات در زمینه های مختلف روان شناسی جرم شناسی و کیفر شناسی و آشنایی آنان با تحقیقات مربوط که توسط مراکز تحقیقی و پژوهش به عمل می آید نیز اثر مثبتی در خصوص تصمیم های قضایی مراجع به مجرمان و در نتیجه کاهش آمار جمعیت کیفری زندانیان خواهد گذاشت.

۴- معضل مهمی که وجود دارد آن است که متأسفانه بسیاری از قضات فعلی با اندیشه ها و رهنمودهای کلان قضایی که توسط ریاست محترم قوه قضایی مورد تأکید و تصریح قرار می گیرد و سیاست حبس زدایی را به مشورت توجیه می نماید یا بیگانه اند یا اینکه الزامی را در خصوص تبعیت یا پیروی از این دستورهای حقوقی و اصلاح محور در خود احساس نمی کنند و اینگونه می شود که نوعی تعارض پنهان یا آشکار بین سیاست کلان قضایی و تصمیم گیری های قضات ملاحظه می شود. معمولاً قضایی که دارای میدان دید محدودی هستند و با آورده های نوین کیفر شناسانه آشنایی یا رابطه ی مطلوبی ندارند به همان سبک قدیمی اکتفا می کنند و آسان ترین روش را برای مقابله با بزهکاری حکم به مجازات دادند.

۵- اختیاری بودن صدور حکم معافیت با اصل یکصد و شصت و شش منافات دارد در اصل ۱۶۶ قانون اساسی احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است در صورتی مجرمی تمامی شرایط صدور ماده ۳۹ را داراست دادگاه مکلف به صدور معافیت است در صورت صدور حکم مجازات برای مجرمی که تمامی شرایط ماده ۳۹ را دارد خلاف اصل میباشد و قانون گذار باید قید اختیاری بودن را اصلاح کند و اجباری بودن را مدنظر قرار دهد.

منابع و مأخذ

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ۱۳۹۲، جلد سوم، تهران، نشر میزان
 ۲. بوسکلوی، جعفر، قانون مجازات عمومی فرانسه، ۱۳۹۰، شرکت سهامی نشر
 ۳. شمس ناتری، محمدابراهیم، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، جلد اول، نشر میزان، ۱۳۹۲
 ۴. غلامی، حسین، عدالت ترمیمی علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر آشوری
 ۵. لوترمی، کلب، ۱۳۸۷، بایسته های حقوق کیفری عمومی فرانسه، ترجمه دکتر روح الامینی
6. Penal code.Rason John.Professor of law.university of cambridg.2005

وبسایت:

- 1- www.legislationline.org
- 2- www.legifrance.gouv.fr
- 3- www.wipo.int

Impunity in the Iranian and French Penal Codes

Ali Kaku Jooybari

Islamic Azad University, Ayatollah Amoli Branch

Abstract

One of the main conditions for impunity is the criminal's behavior modification, which is the ultimate goal of punishment. It is within the discretion of the judge to sentence the criminal to either punishment or impunity, but this has been criticized. In the Iranian and French laws, this new legal establishment is a solution to individualize punishments and modify the execution of punishments. It is also a solution to change crimes and punishments into judicial ones and to prevent the increasing number of criminal cases. This is a descriptive- analytical research conducted using library method.

Keywords: punishment, impunity, establish culpability, criminal's behavior modification
